

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سم جونز*
برگردان: عرفان ثابتی
فرستنده: بهروز سورن
۰۶ می ۲۰۱۹

زندان سیاسی بدنامی که به موزیم مقاومت تبدیل شد



[آسو](#)

نگهبانان مدت‌هاست که محل نگهداری خود در قلعه پنیسی را ترک کرده و این وظیفه را به پرندگان بحری و ماهی‌خواری واگذاشته‌اند که در برج و باروهای قدیمی آن اتراق می‌کنند.
دور و بر پرنده‌ها می‌توان بناهای مجهز به کلاه ایمنی و واسکت شبرنگ، کارمندان دولت، معماران و پیرمردی را دید که با شادمانی ناظر مرمت و نوسازی بدنام‌ترین زندان سیاسی دوران حکومت استبدادی در پرتغال است. این بنای سنگی و بتونی گواه صادق ظلم و ستمی است که بر زندانیان رفته است.

کمتر کسی به اندازه این پیرمرد ۸۳ ساله پنیسی را می‌شناسد. دومینگوس آبرانٹس، سیاستمدار کمونیست و عضو «شورای حکومتی» پرتگال، ۱۲ سال از عمر خود را در دوران «حکومت جدید» اقتدارگرای آنتونیو دو اولیویرا سالازار در زندان گذراند.

او ۹ سال در پنیسی زندانی بود، قلعه‌ای قرن شانزدهمی که حکومت «جمهوری دوم» در فاصله سال‌های ۱۹۳۴ و ۱۹۷۴ از آن به عنوان زندانی برای دگراندیشان و مخالفان استفاده می‌کرد.

آبرانٹس می‌گوید، «مردم می‌گفتند این بدترین زندان حکومت فاشیست است. این تنها زندانی بود که افراد را در سلول انفرادی نگه می‌داشتند. کل نظام این‌جا طوری طراحی شده بود که عرصه را بر زندانی تنگ کند. هیچ کتابی نداشتیم و بیشتر وقت در انزوا به سر می‌بردیم و نمی‌توانستیم با هم حرف بزنیم.»

در ۲۷ اپریل-چهل و پنجمین سالگرد تعطیلی این زندان پس از «انقلاب میخک»-این قلعه به صورت «موزیم ملی مقاومت و آزادی» بازگشائی خواهد شد.

به مناسبت گشایش این موزیم نمایشگاهی برگزار و از دیوار یادبودی پردهبرداری خواهد شد که نام ۲۵۰۰ زندانی پنیسی در دوران «حکومت جدید» بر آن حک شده است.

ابتداء قرار بود که بخشی از این قلعه به هتل تبدیل شود اما این تصمیم خشم اهالی پنیسی، واقع در یک ساعتی شمال غربی لیسبون، را برانگیخت. در نتیجه، دولت مداخله کرد و تصمیم گرفت که این قلعه را به موزیم تبدیل کند.

omgnewstoday

هرچند در لیسبون، اوپورتو و کیپ ورده موزیمهای کوچکتری وجود دارد که به زندانیان حکومت فاشیست تخصیص یافته اما پنیسی نخستین موزیم ملی خواهد بود و هدف از تأسیس آن آگاه کردن مردم از گذشته این کشور است.

پائولا آرائوزو دا سیلوا، رئیس سازمان میراث فرهنگی پرتگال، می‌گوید: «ما به این طریق می‌توانیم به نسل‌های جوان‌تر نشان دهیم که اوضاع کشور در دوران سلطه فاشیسم چطور بوده است. می‌خواهیم برای فرزندانمان درس عبرتی باشد. می‌خواهیم دانش‌آموزان به این‌جا بیایند و این چیزها را ببینند تا دیگر چنین اتفاقاتی رخ ندهد.»

او می‌افزاید که خیزش مجدد راست‌گرایان افراطی در اروپا اهمیت این موزیم را دوچندان کرده است.

آبرانٹس یکی از زندانیان سابق پنیسی است که با مشارکت در پروژه «حافه تاریخی»، خاطرات خود از این زندان را با دیگران در میان گذاشته است.

از آزادی آبرانٹس دهه‌ها می‌گذرد اما جزئیات زندان و امور روزمره‌اش را بخوبی به یاد دارد. او از روی گذرگاه‌های تخته‌نی و کپه‌های مصالح ساختمانی به این سو و آن سو می‌پرد تا محلی را نشان دهد که یک زندانی شجاع از آن‌جا به داخل آب پرید تا فرار کند؛ منظور پشت‌بامی است که هر روز زندانیان را برای یک ساعت هواخوری به آن‌جا می‌آوردند، زندانیانی که بقیه وقت خود را در سلول‌های انفرادی سرد، تاریک و مرطوب می‌گذراندند.

سلول انفرادی طویل و تنگی که هفت سال را در آن گذراند عمدتاً دست‌نخورده مانده است-البته به جز تغییراتی اندک. سطش دیگر در کم نیست، تخت‌خوابش هم غیب شده است و سروصدای حفاری و فریاد کارگران در راهرو پیچیده است.

اما بزرگترین تغییر به پنجره ربط دارد. فاشیست‌ها که می‌دانستند از داخل قلعه می‌توان منظره زیبایی اقیانوس اطلس را تماشا کرد، پنجره‌های سلول‌ها را با دو غاب‌آهک پوشانده بودند تا جلو دید زندانیان را بگیرند.

او زندانبانی را به یاد می‌آورد که با افتخار می‌گفت در جنگ داخلی اسپانیا عضو جوخه اعدام بوده است: «او می‌گفت زندانی کردن مخالفان سیاسی پول دور ریختن است [و باید آنها را اعدام کرد].»

آبرانتس به یاد می‌آورد که زندانبانان هر روز بارها سوت می‌زدند و بی‌وقفه مرتکب خشونت می‌شدند. او می‌گوید، «کل نظام زندان مبتنی بر سوت زدن بود. برای بیدار شدن سوت می‌زدند، برای غذا خوردن سوت می‌زدند، برای برگشتن از هواخوری به درون سلول سوت می‌زدند، برای خوابیدن شبانه سوت می‌زدند-تمام دستورها را با سوت زدن صادر می‌کردند.»

شترنج ممنوع بود. یک روز زندانبانی دید که با گچ روی زمین صفحه شترنج کشیده‌اند، و تمام سنگ‌هایی را که زندانیان از آن به عنوان مهره استفاده می‌کردند، ضبط کرد. زندانیی که این زندانبان را دزد خواند به ۱۷ روز سلول انفرادی محکوم شد.

آبرانتس می‌گوید، «همیشه بین ما و زندانبانان درگیری بود.» بدتر این که پولیس امنیتی می‌توانست بی‌خود بی‌جهت به «دلایل امنیتی» مدت محکومیت زندانیان را افزایش دهد.

بعضی از زندانیان به اختلالات روانی مبتلا شدند و برخی پنج شش سال پس از پایان دوران محکومیت خود همچنان در زندان بودند و جان باختند.

آبرانتس می‌گوید سلول انفرادی را به سلول گروهی ترجیح می‌داده و حالا هر وقت که به این قلعه می‌رود نوعی احساس آرامش به او دست می‌دهد.

reuters

اما وقتی به اتاق رئیس زندان می‌رسیم به یاد روزی می‌افتد که به او گفتند به یک زندانی خبر بدهد که همسرش خودکشی کرده است. دستش را روی قلبش می‌گذارد، رویش را برمی‌گرداند و از اتاق بیرون می‌رود.

پرتگال هم مثل اسپانیا هنوز نتوانسته است که با دوران طولانی دیکتاتوری کنار بیاید.

آبرانتس می‌گوید، «سیاست حاکم بر کشور مبتنی بر پاک کردن این خاطره بوده است. حتی امروز هم هیچ موزیمی نیست و در کتاب‌های درسی هم عملاً هیچ اطلاعاتی درباره فاشیسم وجود ندارد. پرتگالی‌ها برای ۴۸ سال اسارت، هزینه سنگینی دادند و تعداد زیادی از آنها کشته و زندانی شدند. بنابراین، اگر جوان‌ترها احساس می‌کنند که آزادی مفت و مجانی به دست آمده، اشتباه می‌کنند.»

او امیدوار است که موزیم پنیسی به مردم یادآوری کند که آزادی را همان طور که می‌توان به دست آورد، می‌توان از دست داد. او می‌گوید، «خطر این است: آزادی تضمین‌شده نیست. این موزیم این‌جا است تا همین واقعیت را به ما یادآوری کند. این قلعه یکی از واپسین نمادهای باقی‌مانده فاشیسم است. این دیوارها خودشان فی‌نفسه موزیم اند.»

*- سم جونز خبرنگار روزنامه گاردین در مادرید است. آنچه خواندید برگردان این نوشته او با عنوان اصلی زیر است:

Sam Jones, '[Notorious Portuguese political prison becomes museum of resistance](#)', *The Guardian*, 31 March 2019.